

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال دهم، شماره ۳۹، بهار ۱۳۹۷
صفحات: ۷۵-۹۴
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۳؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۰/۲۹

راهبرد قدرت نرم آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی ایران

دکتر حسن خداوردی* / فرزانه رحمتی**

چکیده

یکی از مهمترین دستاوردهای راهبردی کشورها در عرصه روابط بین‌الملل، قدرت می‌باشد. قدرت نرم از دهه ۱۹۹۰ در جهت بهینه کردن سیاست خارجی و به دلیل کم هزینه بودن و مشروعیت آن نسبت به قدرت سخت به عنوان ابزاری برای کسب نتایج مطلوب مورد توجه کشورها قرار گرفت. قدرت سخت موکد قدرت زور و اجبار در قالب عوامل مادی و نظامی بود. آمریکا در دهه اول پیروزی انقلاب، تمام توان خود را از طریق قدرت سخت برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران بکار گرفت. با شکست اقدامات آمریکا در بکارگیری قدرت سخت علیه ایران، سیاست استفاده از قدرت نرم را اتخاذ کرد و رویکرد خود را از تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران تغییر داد. سوال اصلی پژوهش حاضر است این که «مولفه‌ی قدرت نرم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران چه بوده است؟» در راستای پاسخ به سوال، این فرضیه را می‌توان مطرح نمود که رفتار سیاسی آمریکا با توجه به گسترش قدرت، و ناکامی در اقدامات سخت افزاری دگرگون شد و از ابزارهایی مانند دیپلماسی و عوامل غیر مادی برای نفوذ و تغییر نظام سیاسی در قبال ایران اتخاذ کرد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها

قدرت نرم، ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی، قدرت سخت.

* استادیار روابط بین‌الملل، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران (نویسنده مسؤل).
hakhodaverdi@gmail.com

** استادیار دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
rahmaty.farzaneh@yahoo.com

مقدمه

سیاست خارجی آمریکا در دوران‌های مختلف تاریخی مبتنی بر کاربرد جلوه‌هایی از قدرت نرم و قدرت سخت افزاری بوده است. وضعیت نوین نظام جهانی باعث شد کشورها برای تامین منافع ملی خود، ابزارها و راهبردهای جدیدی که مهمترین آن قدرت نرم است را بکار بگیرند. با ورود عوامل جدید در ساختارهای بین‌المللی استفاده از ابزار قدرت سخت جای خود را به قدرت نرم تغییر داد. در اندیشه جنگ نرم، سلطه، غلبه استراتژیک و امپراطوری کارایی خود را از دست داد. بر این اساس، قدرت نرم معطوف به چگونگی کنترل محیط، بازیگران، حوادث و منابع اقتصادی در عرصه بین‌الملل است. دستیابی به قدرت دلیل اصلی نزاع، کشمکش، رقابت‌ها و پیمان‌ی دو یا چند جانبه بین‌المللی است. جوهره و ذات اصلی نظام بین‌الملل را قدرت تشکیل می‌دهد. لذا کلیدی‌ترین مولفه تعیین کننده مناسبات و جایگاه کشورها در روابط بین‌الملل قدرت است. با متحول شدن اطلاعات و تکنولوژی همزمان با رشد علم و فن آوری در فرایند جهانی شدن و جهانی سازی، تغییرات عمده‌ای در ساختار قدرت کشورها بوجود آمد. قدرت نرم نسبت به قدرت سخت از عمق تاثیرات بیشتری برای رخنه بر سایرین برخوردار است. قابلیت و توانایی در تغییر رفتار دیگران بدون خونریزی و خشونت و جلب اعتماد و تضمین امنیت از موارد کاربردی قدرت نرم خواهد بود. تحولات جریان ساز عرصه جهانی، سبب کاهش رواج ابزارهای سخت جهت تحمیل اراده به یکدیگر شده است. در قدرت نرم، دیگران بیش از آنکه به کاری مجبور شوند، به همکاری گرفته می‌شوند. کاربرد قدرت نرم می‌تواند انعکاس شرایطی باشد که بازیگران تاثیر گذار بر فرایندهای سیاست بین‌الملل از نشانه‌هایی مانند هویت، ایدئولوژی، هنجار و ایستار استفاده کنند. هر یک از نشانه‌ها می‌تواند نقش ابزاری در معادله سیاست قدرت نرم ایفا کند. جهانی شدن و تحول اطلاعات و ارتباطات استفاده از قدرت نرم را برای کشورها مهیا کرد. ایالات متحده آمریکا در عصر ارتباطات و اطلاعات با استفاده از امکانات ارتباطاتی و شیوه‌های نوین در جهت سلطه برای اضمحلال و به حاشیه راندن رقبای خود در جهان از قدرت نرم بهره گرفت. نظریه پردازان آمریکا در بکارگیری نتیجه بخش قدرت نرم علیه شوروی سابق در جهت شکست رقیب خود، به این مهم دست یافتند که دیگر نمی‌توان از طریق قدرت سخت بر ایران غلبه کرد بلکه باید با تاکتیک‌های موثر قدرت نرم بر این کشور سلطه یابند. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آمریکا با جلوه دادن خطر و تهدید ایران اسلامی به عنوان محور شرارت و تروریسم منطقه به جنگ نرم با ایران روی آورد. راهبرد آمریکا

علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، با گسترش تبلیغاتی رسانه، ترویج دموکراسی و تحریم اقتصادی دنبال شد.

۱. مبانی و مفاهیم نظری

۱-۱. مبانی فکری جوزف نای

جوزف نای از نظریه پردازان نئولیبرالیسم، نظرات خود را در باب قدرت نرم زمانی مطرح کرد که آمریکا دستور عمل جدیدی را به عنوان طراحی الگوی نقش آفرینی در عرصه فرا جنگ سرد برای محققین و نظریه پردازان این عرصه قرار داده است (صدرپور و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶۹). نای از جمله اندیشمندیانی بود که در چارچوب نظریه نهاد گرایی نئولیبرال به ضرورت توجه به تحولات بنیادین سیاست بین الملل پرداخت. بخش عمده ای از تحقیقات نای از دهه ۱۹۹۰ پیرامون سرشت در حال تغییر قدرت در سیاست بین الملل، جایگاه و سرشت قدرت آمریکا در سلسله مراتب قدرت جهانی و طرح مفهوم قدرت نرم در سیاست خارجی بود. (دانش نیا، ۱۳۹۲: ۷۱) وی در کتاب «قدرتی برای رهبری» برقراری نظام لیبرالی را جایگزینی مناسب برای ساختار اقتدار گرایانه در جهان می بیند، به اعتقاد وی ساختار معطوف به ارزش های لیبرالی باعث کنترل هر چه بهتر جامعه جهانی می شود و در نهایت مشروعیت و ارزش های آمریکایی بازیابی می شود (Nye, 2008: 92). باور پایه نهادگرایی نئولیبرال یا نئولیبرالیسم این است که دولت ها کنشگران ذره ای یا اتمیستی اند (یعنی جدا از دیگران و فاقد پیوندهای اجتماعی میان هم) که می کوشند دستاوردهای مطلق منفرد خود را به حداکثر برسانند و نسبت به دستاوردهای دیگران بی تفاوت اند. با افزایش دستاوردها، دولت ها به مفیدیت بیشتری می رسند. پس اگر همکاری باعث کسب سود بیشتر شود باید به آن مبادرت کرد (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۶۷).

نظریه پردازان نئولیبرالیسم معتقدند که نئورئالیست ها بیش از حد به مخاصمه و رقابت تمرکز دارند و احتمال همکاری را در نظام بین المللی به حداقل می رسانند. اصولاً نئولیبرالیسم دولت را به عنوان نماینده مشروع جامعه مسلم فرض می کنند و برخی از آنان بازیگران غیر دولتی را تابع دولت می دانند. همچنین وضعیت ساختاری فقدان اقتدار مرکزی را در نظام بین الملل می پذیرند، ولی از نظر آنان فقدان اقتدار مرکزی به معنای غیر ممکن بودن همکاری میان ملت ها نیست (قوام، ۱۳۸۶: ۷۵). نئولیبرال ها در عدم پاسخگویی قدرت سخت در عرصه بین المللی به قدرت نرم که بر رویکرد نئولیبرالیستی مبتنی است، روی می آورند. آنان آشوب

زدگی نظام بین الملل را انکار نمی‌کنند و بر موضوعات اقتصاد سیاسی، محیط زیست و حقوق بشر متمرکز می‌شوند. نئولیبرال‌ها با وجود آنکه معتقدند دولت‌ها همچنان به عنوان بازیگران عمده به شمار می‌روند، ولی به مدل بازیگر مختلط که شامل سازمان‌های بین‌المللی فراملی و غیر حکومتی می‌شود نیز می‌اندیشند (قوام، ۱۳۸۶: ۷۲).

از نظر نئولیبرال‌ها آثارشی موجود در نظام بین‌الملل از طریق نهادهای بین‌المللی و رژیم‌های بین‌المللی قابل کنترل است. لذا نهادها را به مثابه ابزاری برای دستیابی به همکاری در محیط بین الملل می‌دانند. نئولیبرال‌ها معتقدند که جدال مستقیم نظامی، هزینه‌های بسیاری را در حوزه اقتصادی و استراتژیک به همراه دارد. برخی از نئولیبرال‌ها معتقدند که دولت‌ها نباید با جهانی شدن مبارزه کنند یا با مداخلات سیاسی ناخواسته آن را کنترل نمایند. چالش‌های جنگ ویتنام و تلفات سنگین آن در قدرت نظامی، فروپاشی نظام برتون وودز و تشدید اختلافات اروپا و ژاپن با آمریکا سبب تسری بحران اقتصادی آمریکا و رنجش و نارضایتی میان شهروندان آمریکایی شده بود و نشانگر این واقعیت بود که دارا بودن قدرت مادی و نظامی مسبب پیروزی و حصول به امنیت نیست.

۲-۱. قدرت

قدرت در حوزه سیاست بین‌الملل از شاخصه‌های برجسته در معادلات بین‌المللی و تاثیرگذاری است که طیف وسیعی از اندیشه‌گران را به خود معطوف کرده است. مفهوم قدرت از دیرباز در نظریه‌های روابط بین‌الملل و جغرافیای سیاسی مطرح بوده است و افرادی مانند راتزل، کیلن، ماهان، مکیندر، اسپایکمن، هانتینگتون و برخی دیگر از اندیشمندان، قدرت را برحسب قابلیت محاسبه آن به قدرت مرئی یا سخت و قدرت نامرئی یا نرم تقسیم‌بندی کرده‌اند (زرقانی، ۱۳۸۵: ۲). قدرت عبارت است از توانایی نفوذ و تاثیر در راه و روش دیگران به وجهی که مطابق مقاصد خاص صاحب قدرت باشد. مورگنتا قدرت را «توانایی انسان بر اذهان و اعمال دیگران و قدرت سیاسی را وجود کنترل در روابط متقابل دارندگان اقتدار عمومی و نیز میان اقتدار عمومی و مردم می‌داند». قدرت هسته اصلی تشکیل دهنده نظام بین‌الملل است. ماهیت قدرت در روابط بین الملل به اندازه ای عمیق و گسترده است که انگیزه، نیروی محرکه، ابزار، توانمندی و هدف غایی و نظم حاکم در روابط بین الملل است. بی شک قدرت به منزله یک وسیله، یک ابزار، یک ظرفیت و توانایی برای اعمال نفوذ بازیگران برای تحقق اهداف در رقابت با دیگران بکار گرفته می‌شود. این امر به دلیل اهمیت عینی و ملموس قدرت در دو عرصه

سیاست داخلی و خارجی در راستای اجرای برنامه‌ها، خط مشی و تحقق اهداف ملی و بیانگر رابطه طرفینی بین انسانهاست که یک طرف تاثیرگذار و طرف دیگر تاثیر پذیر است (جمالی، ۱۳۷۹: ۲۵۰).

۳-۱. قدرت سخت

قدرت سخت بر فشار، اختطار، نمایش قدرت (برای نشان دادن عزم راسخ) و عملیات نظامی قابل کنترل علیه کشوری است که اقدامات غیر قابل قبولی را آغاز کرده است (آقابخشی، ۱۳۷۷: ۴۲۳). هرگاه به موجب اقداماتی استقلال و تمامیت ارضی کشور در خطر هجوم نیروهای نظامی کشور دیگر یا گروه‌های معارض قرار گیرد، تهدید سخت واقع شده است. قدرت سخت متکی به روش‌های فیزیکی، عینی، سخت افزاری و همراه با اعمال و رفتارهای خشونت آمیز و استفاده از زور و اجبار است. این قدرت محسوس، واقعی و عینی می‌باشد. ظهور این قدرت مربوط به دوران استعمار کهن است. قدرت‌های استعماری با زور و با لشکر کشی به تصرف سرزمین‌های ضعیف تر می پرداختند. هرچند که در دوران معاصر نیز نمونه‌هایی از این قدرت سخت در لشکر کشی‌های آمریکا در عراق و افغانستان وجود داشت. حوزه قدرت سخت امنیتی و نظامی است. مفهوم امنیت در قدرت سخت به مفهوم نبود یک قدرت خارجی و یا یک قدرت متزلزل به دلایل اوضاع داخلی آن کشور است که در این شرایط هدف قدرت سخت تخریب و اشغال و تصرف سرزمین و فروپاشی نظام‌های سیاسی و امنیتی همراه است. شاخصه قدرت سخت استعمال قوای نظامی است که استفاده از آن تحت عناوین مشروع، دخالت انسانی، مداخله بشر دوستانه و نجات جان اتباع، دفاع پیش دستانه، اقدامات تلافی جویانه توجیه شده است. مهمترین اشکال و منابع بکارگیری قدرت سخت عبارت است از: مداخله نظامی، تحریم اقتصادی و دیپلماسی اجبار آمیز که در براندازی حکومت به شکل مستقیم و غیر مستقیم مد نظر است. مبنای قدرت سخت ممکن است تطمیع هویج (تهدید) و چماق (اجبار) باشد.

۴-۱. قدرت نرم

جوزف نای محقق برجسته روابط بین‌الملل برای اولین بار اصطلاح «قدرت نرم» را در مقاله‌ای به عنوان گمراه‌کنندگی استعاره انحطاط در نشریه آتلانتیک در مارس ۱۹۹۰ مطرح کرد (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۲۷). نای در مورد قدرت نرم می‌گوید: قدرت نرم توجه ویژه به اشتغال ذهنی جوامع دیگر از طریق ایجاد جاذبه است به این معنا کشوری قدرتمند است که بتواند در

عرصه روابط بین الملل، دیگر کشورهای را تحت تاثیر اهداف، ارزش‌ها و منافع خود قرار دهد و کاری کند که آن‌ها با خواست خود در راستای اهداف آن کشور گام بردارند، قدرتی که در حوزه فرهنگ شامل رسانه‌ها، آداب و رسوم است. و اغلب در قالب رسانه‌ای نمود پیدا می‌کند (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۲۲). قدرت نرم، رهبری کردن به صدور فرامین خلاصه نمی‌شود، بلکه انجام خواسته‌های دیگران را نیز شامل می‌شود. اگر بتوان دیگران را به سوی خواسته‌هایشان سوق داد دیگر نیازی به استفاده از هویج و چماق برای مجبور کردن نیست. از نظر نای اگر قدرت، کلیدی ترین مولفه تعیین کننده روابط و جایگاه کشورها در عرصه روابط بین الملل است، قدرت نرم توانایی تعیین اولویت‌هاست. به گونه ای که دارایی‌های ناملموس مانند داشتن جذابیت‌های فرهنگی، شخصیتی و ارزش‌های سیاسی و نهادی مرتبط و همسو باشد یا اینکه سیاست‌های قابل قبول با اعتبار معنوی را پدید آورد (نای، ۱۳۸۷: ۷۹).

در قرون گذشته، قدرت استعمارگران از طریق سخت افزاری نظیر تهدید نظامی، جنگ و اشغال نظامی بود، اما با شروع عصر ارتباطات، رسانه و دیپلماسی عمومی و با این آگاهی که از حیث تحلیلی، راهبردهای نرم افزارانه پیوسته بر راهبردهای سخت افزارانه برتری دارد و نمی‌توان حرکت‌های نرم افزارانه را با ابزارهای سخت افزارانه سرکوب نمود و در چنین موقعی نهضت‌های نرم افزارانه تقویت شده و ایده‌های شان نافذتر می‌گردند (شیروانی، ۱۳۸۹: ۲۳). قدرت نرم یک قدرت غیر قابل لمس است و به واسطه استفاده از فناوری‌های جدید می‌تواند ضریب دستیابی به هدف‌ها را افزایش دهد. قدرت نرم امری غیر محسوس است که ویژگی با تقسیم بندی قدرت به شیوه سنتی متفاوت است (علم، ۱۳۷۳: ۹۱). برخی عوامل سیاسی از جمله ثبات سیاسی، نوع رژیم و رهبری از مولفه‌های مادی قدرت نرم به شمار می‌آیند (صوری، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۰۲).

مفهوم قدرت ماهیتا مجادله انگیز است زیرا رابطه‌ای ذاتی و ماهوی میان دال و مدلول قدرت وجود ندارد و مفهوم قدرت مصداق‌های خود را در گفتمان‌های مختلف می‌جوید (رهبری، ۱۳۸۵: ۱۱۷). نظریه پردازان مکتب واقع گرایی در مفهوم سنتی قدرت بر ابعاد مادی تاکید دارند. در این تصویر از قدرت، که از سوی اندیشمندان چون هابز و ماکیاوولی ارائه می‌شود، در واقع قدرت به توان اعمال سلطه از سوی یک بازیگر به بازیگران برای تمکین از خواست وی تعبیر می‌شود (شجاعی، ۱۳۹۳: ۲۷). ظهور بازیگران غیر دولتی، وابستگی متقابل اقتصادی، توسعه شبکه‌های هوشمند ارتباطی نشانگر دوران تازه ای در سیاست جهانی است. در چنین شرایطی توانمندی

معطوف به زور به مثابه رکن اصلی قدرت در مکتب واقع گرایی مورد نقد جدی قرار گرفته و تغییر نوینی در مفهوم و کاربرد قدرت ایجاد شده است (قربانی شیخ نشین، ۱۳۹۰: ۱۲۵). جوزف نای بر این باور است که قدرت نرم و سخت در هم تنیده اند ولی قدرت نرم ضرورتاً به قدرت سخت وابسته نیست. به گفته نای، قدرت نرم توانایی تحقق خواسته‌ها از راه مجذوب کردن دیگران است. زمانی که شما دیگران را وادار می‌کنید ایده‌های شما و آنچه شما می‌خواهید را بپذیرند بدون این که برای این کار هزینه‌ای صرف کنید، در آن صورت شما از قدرت نرم استفاده کرده‌اید (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۲۳).

منابع قدرت نرم برخلاف قدرت سخت منابع و تجهیزات نظامی و توان اقتصادی نیست؛ بر فرهنگ، دانش، سیاست و اقتصاد استوار است. قدرت نرم، ابزار، توانایی، استعداد و ظرفیت برای بدست آوردن چیزی بدون استفاده از زور و اجبار از طریق جذب و اقناع کردن دیگران است. قدرت نرم محصول و برآیند تصویر سازی مثبت از خود و تاثیر گذاری همراه با رضایت بر دیگران و اراده دیگران را تابع خود کردن و مولفه‌هایی نظیر آن است (بیگی، ۱۳۸۸: ۳۰). بازیگران در صحنه روابط بین‌الملل در تلاشند که این بعد قدرت خود را با تاکتیک‌های مختلف افزایش و گسترش دهند و با اعمال آن و ایجاد تاثیرات خاصی بر دیگر بازیگران، آن‌ها را از میدان رقابت خارج سازند. تئوری نظم نوین جهانی که توسط جورج بوش پدر به مرحله اجرا گذاشته شد را می‌توان نمادی از قدرت نرم آمریکا دانست. ایالات متحده در دوران پس از جنگ سرد موازنه نرم را به عنوان راهبرد سیاست خارجی خود تعریف نمود. زمامداران و تصمیم گیران در آمریکا بر این اعتقادند که در شرایط آنارشی مقابله با تهدیدات از طریق قدرت نرم امکان پذیر است.

۲. نقش قدرت نرم آمریکا در رسانه‌ها

رسانه‌ها یکی از ابزارهای اصلی قدرت نرم آمریکا محسوب می‌شوند. در این ارتباط مجموعه‌های مختلفی از شبکه‌های رسانه‌ای در تولید برنامه و فیلم‌های تبلیغاتی و سیاسی فعالیت دارند. رسانه‌ها مشروعیت سیاسی و اجتماعی و موقعیت آمریکا را در سیاست بین‌المللی ارتقا می‌دهند. تاریخ رسانه‌ای آمریکا نشان می‌دهد که فناوری تلویزیون با آغاز پخش برنامه‌های شبکه بی بی سی از سال ۱۹۲۷، به گسترش در جهان پرداخت و زمینه‌های ارتباطی، ابزار قدرت امنیتی را در عرصه بین‌المللی فراهم کرد. جنگ رسانه‌ای، جنگ بدون خونریزی، آرام و

جنگ بهداشتی و تمیز تلقی می‌شود، جنگی که به صفحات روزنامه‌ها، میکروفن رادیوها، صفحات تلویزیون و عدسی دوربین‌ها جریان دارد. به جای هدف قرار دادن مستقیم دولت‌ها، ملت‌ها را هدف بمباران خود قرار می‌دهند. این باور وجود دارد که اگر بتوان افکار عمومی را نسبت به موضوع یا پدیده‌ای قانع کرد یا به آن سمت و سوی خاص بخشید، مسلماً دولت‌ها نیز تحت فشار افکار عمومی به آن سمت کشیده خواهند شد (ضیایی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۲۸).

برخی از اندیشمندان معتقدند که رسانه‌ها، حاکمیت و قدرت تعیین سرنوشت انسان‌ها را از آن سلب و در اختیار خود گرفته‌اند و بر اندیشه، ادراک و احساس افراد مسلط شده‌اند (کرمی، ۱۳۸۶: ۶۱-۶۰). بسیاری از مجموعه‌های اجتماعی از طریق شبکه اینترنت سازماندهی می‌شوند. قدرت نرم از طریق شبکه‌های مجازی کارکرد وسیعی در حوزه امنیت اجتماعی پیدا کرده است. ایالات متحده، از نیمه دوم ۱۹۸۰ مبادرت به سازماندهی ابزارهای اینترنتی به عنوان کالاهای اجتماعی نمود. چنین فرایندی از دهه ۱۹۸۰ به عنوان محور اصلی جنگ نرم آمریکا مورد استفاده قرار گرفت. استفاده از فناوری برای شکل دادن به فضای فرهنگی و افکار عمومی، مورد توجه دولتمردان آمریکا است. اصول حاکم بر فناوری، بیشتر تابع ارزش‌های غربی است، استفاده از آن می‌تواند باعث تغییر فرهنگ ملی کشورها شود (عسگری، ۱۳۹۱: ۱۵۳). وسایل ارتباطی در قالب فیلم، سینما، موسیقی، شعر، داستان، و فناوری‌هایی نظیر اینترنت، رایانه و شبکه‌های ماهواره‌ای، اغلب در انحصار آمریکا است و با استفاده از آن به‌طور غیرمستقیم و زیرکانه برای جهانی سازی و گسترش فرهنگ خود استفاده می‌کنند. تغییر شیوه‌های زندگی، الگوی مصرف، ترویج زبان‌های بیگانه و تغییر باورها و ایستارها از جمله اهداف آمریکا در این زمینه است. اتصال میلیون‌ها رایانه و گردش اطلاعات، داده‌ها، تصاویر، صداها، نامه‌ها، پول و سهام الکترونیک، خرید و فروش کالاها و خدمات قانونی و غیر قانونی، شبکه‌های مافیایی، انواع تقلب‌ها و راهزنی‌های رایانه‌ای و غیره اینترنت را به شبکه گسترده و کمابیش غیر قابل کنترل بدل کرده است (متقی، ۱۳۹۱: ۲۰۸).

هالیوود از حوزه‌های دیگر قدرت نرم آمریکا برای کنترل ادراک رفتاری و اجتماعی در همه حوزه‌های جغرافیایی است. از بدو پیروزی انقلاب اسلامی جنگ رسانه‌ای واشنگتن علیه جمهوری اسلامی ایران در ابعاد داخلی، منطقه‌ای و جهانی اعمال شد. هالیوود، فارسی وان، بی.بی.سی، صدای آمریکا، رادیو فردا و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی از مهم‌ترین ابزارهای رسانه‌ای آمریکا در تضاد با جمهوری اسلامی هستند. افزایش تعارضات ساختاری و دوگانگی

هویت، یکسان‌سازی فرهنگی، تقویت گرایش‌های گریز از مرکز (فرو ملی و فراملی) و اخلال در روند وحدت ملی، ایجاد اختلاف و شکاف میان نسل جوان با نظام به سبب ایجاد ملی‌گرایی افراطی، بروز شکاف فرهنگی، تضاد با ارزش‌ها، باورها، تضعیف پیوندهای سنتی از طریق تقویت و تبلیغ ارزش‌های غربی و کمک به استحاله‌ی فرهنگی، بهره‌برداری تبلیغاتی و انتشار اخبار غیرواقعی و تحریف شده، ایجاد فرهنگ سلطه و مصرف‌گرایی و کاهش نقش فرهنگ‌های بومی و محلی از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که آمریکا می‌کوشد با کمک رسانه‌های سنتی و شبکه‌های اجتماعی مجازی برای جمهوری اسلامی ایران به‌وجود آورد. در بعد منطقه‌ای، ایالات‌متحده آمریکا می‌کوشد با گسترش اندیشه ایران‌هراسی در میان کشورهای عربی موضوع خطر گسترش تشیع و تشکیل هلال شیعی در منطقه را بزرگ‌نمایی کند و با تأکید بر سرنگونی رژیم ایران نه تنها به انتقال فناوری‌های استراتژیک به متحدان منطقه‌ای خود و شکل دادن به مسابقه تسلیحاتی و تحرکات نظامی بپردازد بلکه در چارچوب رویکردهای نرم همانند جنگ رسانه‌ای و شبکه‌سازی به مقابله با ایران نیز می‌پردازد. در ابعاد جهانی نیز آمریکا به دنبال ارائه تصویری سیاه از ایران در سطح تفکر عمومی است. ایرانی عقب مانده، رژیم توتالیتر و سرکوبگر و درنهایت ناقض حقوق بشر، ضد زن و جوان و حامی تروریست‌ها. این تصویرسازی‌ها به کمک جنگ رسانه‌ای انجام می‌شود. به‌طور کلی باید گفت که سیاست نرم افزاری آمریکا علیه ایران بر پایه نوعی رویارویی فرهنگی و برخورد تمدنی تدوین شده است.

۳. رویکرد قدرت نرم آمریکا در زمینه حقوق بشر

پس از پایان جنگ سرد، حقوق بشر به مثابه ابزاری برای سیاست‌گذاران آمریکا در جهت تغییر هنجارهای بین‌المللی در سیاست خارجی بکار گرفته شد. مفهوم حقوق بشر و پیامدهای آن بر حاکمیت دولت‌ها از موضوعات بنیادین در تحولات بین‌المللی است. ایالات متحده آمریکا پس از جنگ سرد به پدیده حقوق بشر به‌عنوان ابزاری در جهت تأمین منافع ملی خود می‌نگرد (سیمبر، ۱۳۸۳: ۴۰). حقوق بشر، موضوعی چند وجهی و پر لایه است که لایه‌های گوناگون آن را می‌توان در ابعاد فرهنگی، تمدنی و دینی از یک سو و ابعاد حقوقی، حاکمیتی و امنیتی از سوی دیگر جستجو کرد (سجادپور و محمدی، ۱۳۸۸: ۶۰-۵۹). حقوق بشر در بنیادی و اساسی‌ترین مفهوم عبارت است از «حقوق اخلاقی مهم و برجسته» (مصفا و ابراهیمی، ۱۳۸۷:

۲۷۴-۲۶۰). از رویکردهای دیگر قدرت نرم آمریکا در برابر ایران رویکرد حقوق بشر است. بازیگران قدرت نرم، برای فروپاشی قدرت سیاسی در ایران، کانون‌های متعددی را به بررسی وضعیت حقوق بشر آن راه اندازی کردند:

- کانون مدافعان حقوق بشر که از سال ۱۳۸۱ به بعد، توسط دانشجویان افراطی و دیگر افراد مخالف دولت در جهت پیشبرد راهبرد بر اندازی نرم در راستای حمایت و تقویت نیروهای مخالف ایران در زمینه حقوق بشر تشکیل شد.

- دیده‌بان حقوق بشر، توسط شیرین عبادی، نماینده داخلی سازمان دیده‌بان حقوق بشر در امور ایران برای مبارزه با حقوق بشر در ایران با گزارش‌های منفی در این زمینه ایجاد گردید.

- انتشار نشریه‌های ضد ایرانی برای معرفی چهره ایران به عنوان ناقض حقوق بشر، راه اندازی رادیو فردا، فارسی وان، بی بی سی، شبکه صدای آمریکا؛ که هر کدام به نوعی شرایط حقوق بشر در مورد قربانیان نقض حقوق بشر در ایران را پوشش می دادند.

- بنیادهای فکری و کانون‌های تصمیم ساز آمریکا، بنیادهای مختلفی در راستای اهداف دیپلماسی عمومی آمریکا علیه ایران از قبیل بنیاد ملی دموکراسی، بنیاد جامعه باز، خانه آزادی و غیره فعالیت‌های خود را در زمینه حقوق بشر اختصاص دادند.

۳-۱. ترویج دموکراسی سازی

از سال ۲۰۰۰ و پس از حادثه ۱۱ سپتامبر دموکراسی در کنار سایر مولفه‌های اساسی اندیشه سیاسی غرب از جمله لیبرالیسم، اقتصاد آزاد، حقوق بشر و .. از اولویت اصلی برخوردار بوده است (غریبایق زندی، ۱۳۸۸: ۸۷).

بنیاد ملی برای دموکراسی بزرگترین تامین کننده مالی فعالیت‌های مخالفین کشورهای پشت نقاب دموکراسی بوده و مورد حمایت دو حزب اصلی آمریکا (جمهورخواه و دموکرات) می‌باشد. هدف از تشکیل آن در سال ۱۹۸۳ نیز اشاعه دموکراسی مورد نظر آمریکا با اعطای کمک‌های مالی به احزاب، رسانه‌ها و مخالفین نظام‌های کشورهای دیگر بود (خانی و کاردان، ۱۳۹۰: ۱۸۳). بنیاد ملی برای دموکراسی از سوی کنگره مامور اجرای پروژه دموکراسی سازی در ایران گردید. این بنیاد برخورد با ایران را متوجه قرار داده است. و برای این کار در سال ۲۰۰۴ بودجه‌ای ۱۰ میلیون دلاری به آن تخصیص داده شده بود. این بنیاد از سال ۱۹۹۱ تحت عناوین حقوق بشر (جوانان، آموزش، رسانه‌ها و انتشارات و غیره)، حقوق کارگران و زنان به ماموریت خود در ایران مشغول بوده است. در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ نیز این بنیاد

حمایت خود را از مخالفین و سایت‌های خبری افزایش داد. از نظر بنیاد، حوادث پسا انتخاباتی ایران نشان بیداری جامعه مدنی ایران و تغییر ساختاری آن دارد. اهداف این بنیاد ملی برای دموکراسی:

- اعطای کمک‌های مالی به مخالفین برای تغییر نظام در ایران به نام بنیاد دموکراسی ایران توسط کنت تیمرمان از نومحافظه کاران افراطی و اسلام ستیز با همکاری مخالفین ایران صورت گرفت؛
- کمک مالی به کانون صنفی معلمان ایران در واشنگتن برای انتشار فصلنامه مهرگان در برابر تقویت جنبش‌های مخالف ایرانی در خارج از کشور؛
- شورای ملی ایرانیان آمریکا جهت فعالیت‌های رسانه ای؛
- مجمع آموزش زنان برای حقوق توسعه و صلح در جهت آموزش شیوه‌های سازماندهی زنان برای تحقق خواسته‌های خود؛
- کمک‌های مالی برای انجمن جامعه مدنی و حقوق بشر در ایران در راستای گردآوری اطلاعات در زمینه نقض حقوق بشر در ایران؛
- کمک به موسسه حزب جمهوری خواه برای تقویت ارتباطات و سازماندهی فتنه گران داخلی ایران و تشکیل کلاس‌های آموزشی برای مخالفان ایرانی؛
- اعطای جوایز در راستای حمایت و تشویق مخالفان ایران تحت عناوین مدال خدمات دموکراسی و جایزه دموکراسی؛
- کمک به انتشار نشریه و بولتن‌های ایران و سایت‌های ضد ایرانی جهت نشر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (خانی، ۱۳۹۰: ۲۰۷-۲۰۰)؛ به اعتقاد بسیاری از منتقدان، این بنیاد ابزاری برای کسب و تامین منافع آمریکا محسوب می‌شود.

۳-۲. بنیاد جامعه باز

بنیادهای جامعه باز و یا بنیاد سوروس از دیگر ابزارهای قدرت نرم آمریکا جهت دخالت در امور کشورهاست. این بنیاد که توسط شخص میلیاردر یهودی در راستای کمک به مخالفان کشورهای کمونیستی در سال ۱۹۸۴ برای براندازی دولت‌های این کشورها تشکیل شد؛ پس از فروپاشی شوروی فعالیت خود را با هدف استقرار دموکراسی در جهان و تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بسته به جامعه باز اعلام کرد. روند کار این بنیاد در ابتدا فعالیت در کشورها با نام مراکز مطالعاتی و سپس با ارزیابی مخالفان دولت و حمایت از روزنامه‌ها زمینه را

برای اخلاص سیاسی فراهم می کند. در واقع این نهاد به صندوق سوروس نیز معروف است که در زمینه مدیریت سرمایه‌گذاری خصوصی به حمایت مالی به موسسات و نهادهای غیر دولتی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی می پردازد. آموزش و اعزام نماینده ای ویژه ای از سوی سوروس اصلی ترین اقدام او برای آغاز فعالیت‌هایش در ایران بوده است؛ خود موسسه جامعه باز نیز در بیانیه‌های گوناگون اذعان دارد که نماینده این بنیاد در زمان دولت موسوم به اصلاحات در ایران بوده است (خانی و کاردان، ۱۳۹۰: ۴۴۴). تحسن دسته جمعی برخی نمایندگان در مجلس ششم در فتنه ۱۳۸۸ مصادف با تحولات انقلاب رنگی در گرجستان را می توان فرضیه ای در این خصوص عنوان کرد.

۳-۳. خانه آزادی

این نهاد به حمایت و پشتیبانی از دموکراسی و ارزش‌های آمریکایی، اقتصاد بازار آزاد و نقش راهبردی آمریکا در روابط بین‌المللی به منظور اجرای حقوق بشر و آزادی تاسیس گردید. اهداف کلی این نهاد؛ بهره‌گیری از مفاهیم دموکراسی، آزادی بیان، قانون به‌عنوان ابزاری مداخله گر و جریان ساز در کشورهای دیگر، مشروعیت بخشی به اقدامات نرم یا سخت علیه سایر کشورها و ارزیابی کشورها به آزاد و غیر آزاد بر طبق دیدگاه خود است. این سازمان در سال‌های اخیر به عنوان یکی از سازمان‌های فعال در انقلاب‌های رنگی ایفای نقش کرد. این خانه برای آمریکا سازی ایران با نام دموکراسی سازی برنامه‌های گسترده‌ای را در حوزه رسانه‌ها و وسایل ارتباطی جمعی به نام توسعه جامعه مدنی، حمایت رسانه‌ای در دستور کار خود قرار داده است. این نهاد ماهنامه دوزبانه انگلیسی و فارسی برای بحث و بررسی دموکراسی و حقوق بشر در فعالان حقوق بشری ایران و کشورهای همسو با منافع آمریکا در زمینه نقد و بررسی کتاب، نقد فیلم، گزارش‌های تصویری، مجموعه مقالات، کاریکاتورهای سیاسی، بیانیه‌ها از ایرانیان در داخل و خارج در مورد چالش‌های دموکراسی راه اندازی کرده است.

۴. قدرت نرم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

فروپاشی شوروی در اوایل دهه ۹۰ میلادی و پایان جنگ سرد بین دو ابر قدرت، سر آغاز تغییر در مناسبات بین‌المللی به شمار می‌آید. با افول و سقوط شوروی عده‌ای از نظریه پردازان لیبرال - دموکراسی از فرصت استفاده کرده و آمریکا و نظام لیبرال - دموکراسی را پیروز نبرد کمونیسم و شوروی دانستند. هانتینگتون صاحب نظریه برخورد تمدن‌ها نیز از برتری آمریکا و

شکل گیری نظام با محوریت آمریکا دفاع کرد. ایالات متحده اهداف هژمونیک خود را که در دوران نظام دوقطبی با اقدامات بازدارنده و چالش‌هایی از سوی اتحاد شوروی مواجه بود؛ پس از دوران جنگ سرد با ابزارهای موثری از جمله ارائه نظم نوین جهانی به عنوان نمادی از قدرت نرم آمریکا در ساختار جدید نظام بین الملل بی‌وقفه گسترش داد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آمریکا و غرب را در شوک و اغمای سیاسی فرو برد. منافع استراتژیک آمریکا و منافع عظیم اقتصادی، سیاسی و نظامی با این پیروزی با خطر مواجه شد. روابط خصمانه آمریکا با ایران از همان ابتدای پیروزی انقلاب آغاز شد. ایالات متحده از ابزارهای سخت و نظامی برای بر اندازی جمهوری اسلامی ایران بکار گرفت. با ناکارآمدی ابزار سخت افزارانه چاره ای جز تغییر در رویکرد به ابزار نرم افزارانه خود علیه ایران پیدا نکرد. بنابر این برای پیگیری جنگ نرم با استفاده از سه تاکتیک سد مهار، نبرد رسانه ای و دیپلماسی عمومی، ساماندهی نا فرجام مدنی در دستور کار حکومت آمریکا قرار گرفت، که به پروژه دلتا معروف گشت (ماه پیشانیان، ۱۳۸۹: ۲۴۹-۲۶۰).

نومحافظه کاران در سال ۲۰۰۰ میلادی وارد کاخ سفید شدند با تاکید بر اسلام ستیزی و تغییر رفتار و ساختار جمهوری اسلامی ایران و مهار اسلام گرایی در منطقه خاورمیانه، خواستار مقابله آمریکا در مقابل اسلام و ایران شدند. این نگرش اسلام ستیزانه بر گرفته از اندیشه‌هانتینگتون و رویارویی تمدن‌ها بود و جایگزینی خطر اسلام بجای کمونیزم مورد توجه قرار گرفت. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، فوکویاما مدعی شد که اسلام تنها نظام فرهنگی است که مدرنیته را تهدید می کند. دکترین امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۲ موکد برخورد سخت افزاری و نظامی با کشورهای مثل ایران و کره شمالی بود؛ اما در سند دکترین ملی آمریکا در سال ۲۰۰۶ از برخورد سخت نظامی سخنی به میان نیامد بلکه بیشترین تاکید آن بر جنبه‌های نرم افزاری برخورد است تا سخت افزاری. ابزارها و منابع قدرت نرم آمریکا صرفا محدود به حوزه اقتصادی نیست بلکه از شاخصه‌های مهم آن:

- جذب مهاجران خارجی؛
- حضور محققان خارجی در امریکا؛
- صدور محصولات فرهنگی؛
- صدور فیلم‌های سینمایی، هنری در جهان با ستارگان موسیقی و فیلم‌های هالیوودی؛
- درارا بودن بیشترین کاربران اینترنتی؛

- بیشترین چاپ کتاب، اختراع و اکتشاف در جهان و بهره‌مندی از دانشگاه‌های برتر جهان است (نای، ۱۳۸۷: ۱۳۸-۸۶).

آمریکا از طریق ارتباط گسترده با کشورهای قدرتمند سعی در نمایش دادن ایران به عنوان کشور مخاطره آمیز در صلح بین‌المللی و تهدید علیه جهان کرد. همچنین با استفاده از ائتلاف و مذاکرات با دیگر کشورهای همسو، ایران را منشا پرورش جریان‌های افراط‌گرایان اسلامی معرفی کرد و وانمود کرد که ایران از تروریسم حمایت می‌کند. بنابر این ایران را همراه کره شمالی در لیست «محور شرارت» قرار داد. آمریکا با اتخاذ سیاست‌هایی نظیر طرح خاورمیانه بزرگ و خاورمیانه جدید به ایجاد شکاف میان کشورهای اسلامی ایران و اعراب به مقابله با ایران پرداخت. در پی ناکارآمدی نظامی آمریکا در جنگ افغانستان و عراق و در نتیجه تلفات سنگین ناشی از این مداخلات نظامی و شکست طرح‌های راهبردی کاخ سفید در منطقه (طرح خاورمیانه بزرگ و خاورمیانه جدید) بحران‌های آمریکا افزایش یافت. محافظه‌کاران آمریکا بر این باور رسیدند که سیاست‌های نظامی گرایانه برای رسیدن به اهداف هژمونیک نا ممکن است. تصمیم‌گیرندگان نو محافظه‌کار آمریکا راهبرد مهار را برای جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه به بوش پیشنهاد دادند. بنابر این برنامه‌های ذیل را برای مهار ایران از اصول کار خود قرار دادند:

- تضعیف بنیه اقتصادی؛

- هجمه به افکار عمومی و تغییر در نگرش مردم؛

- جلوگیری از عدم دستیابی ایران به فناوری‌های پیشرفته هسته‌ای؛

- تعارض در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران؛

- فشارهای سیاسی و نظامی؛ برای تحقق اهداف خود گام برداشتند.

نو محافظه‌کاران آمریکا با مطرح کردن هلال شیعی و مخاطره آمیز جلوه دادن ایران هراسی برای کشورهای عربی و اهل تسنن، ایجاد تقابل قومی و فرقه‌ای، دخالت ایران در کشورهای اسلامی برای سد کردن افزایش قدرتمندی ایران اقدام کردند.

استراتژیست‌های آمریکا بهترین ابزار برای تقویت قدرت نرم آمریکا در مناطق مختلف جهان را استفاده از رادیو و تلویزیون دانستند که در عین حال از مشکل‌سازترین، دشوارترین و ظریف‌ترین آن‌ها نیز محسوب می‌شود؛ بر این اساس گرچه ایالات متحده از سابقه طولانی در پخش برنامه‌های رادیویی برخوردار است اما پخش این برنامه‌ها برای متحدین راهبردی و منطقه‌ای این کشور بسیار دشوار است (هرسیچ و تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۱۷۷-۱۷۸). سرعت بالای تعامل در

فناوری اطلاعاتی در سیاست خارجی آمریکا و با دیگر جهان در قالب شبکه‌های ماهواره ای به طور وسیع بر افکار عمومی تاثیر گذار است. لذا قدرت نرم، بکارگیری فناوری‌های پیشرفته اطلاعاتی برای تحقق اهداف سیاست خارجی است. جایگاه قدرت سخت در قرن ۲۱ بوسیله فناوری اطلاعات قدرت نرم جایگزین شده است. کشورهایی که بیشترین دسترسی را به راه‌های متعدد ارتباطاتی دارند در عرصه جهانی تاثیر گذار ترند و می توانند در عصر ارتباطات، قدرت نرم بدست آورند. پس از جنگ سرد آمریکا در بهینه سازی قدرت نرم به ایجاد آژانس اطلاعاتی ایالات متحده، صدای آمریکا، پخش برنامه موسوم به درخشش کامل، ایجاد کتابخانه‌های آمریکایی، برگزاری کنفرانس و دیگر برنامه ها فعالیت کرد (نای، ۱۳۸۸: ۱۵۶).

۵. برخورد نرم‌افزاری آمریکا در برنامه‌های هسته‌ای ایران

راهبرد آمریکا برای مقابله با توسعه نفوذ سیاسی و گسترش قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اقدامات غیر نظامی و قدرت نرم است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آمریکا بیشتر با استراتژی نرم به مقابله با ایران پرداخت. به دلیل عدم امکان ارتباط دیپلماتیک بین ایران و آمریکا، این کشور در صدد بر آمد تا از طریق ابزارهای قدرت نرم در ایران نفوذ کند و اهداف خود را در تغییر و بر اندازی نظام جمهوری اسلامی ایران پیگیری نماید. از نظر آمریکا برنامه‌های هسته ای ایران یک خطر جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است. دغدغه آمریکا در این مورد، وجود ایران به عنوان یک کشور قدرتمند در رقابت‌های تسلیحاتی در منطقه و تهدیدی برای رژیم صهیونیستی به عنوان متحد راهبردی آمریکا و بهم ریختن نظم منطقه‌ای در معادلات آمریکا و نفوذش در کشورهای منطقه است. بنابراین نگرانی اصلی آمریکا احساس تهدید از سوی ایران از جنبه‌های مختلف یا به عبارت دیگر، نگرانی از افزایش نقش منطقه‌ای و جهانی ایران است (برزگر، ۱۳۸۵: ۱۶۳).

از سیاست‌های نرم آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی ایران برای ممانعت از برنامه‌های هسته ای، تحریم‌ها اقتصادی از سوی آمریکا بود. هدف از تحریم‌های اقتصادی، تغییر رفتار سیاسی کشور از طریق تنبیه و مجازات و وادار ساختن آن برای تطبیق خود با نظام بین الملل اعمال می‌شود. بنابراین، تحریم اقتصادی شامل؛ تحریم نفتی، سفر هوایی، قطع نقل و انتقالات مالی، قطع کمک‌های دو جانبه و چند جانبه اقتصادی و به طور عام روابط تجاری خارجی است (خانی، ۱۳۸۶: ۳۳). هدف اصلی آمریکا در این واکنش، تغییر رفتار ایران و اتخاذ شیوه همکاری

جویانه ایران با سیاست‌های جهانی و منطقه‌ای آمریکا است (عسگریان، ۱۳۸۶: ۳۵). در این زمینه بنیادهای آمریکا در خصوص پرونده هسته‌ای ایران، خواستار تحریم نهادهای امنیتی، ممنوعیت سرمایه‌گذاری‌های خارجی، وام‌ها و اعتبارات و صادرات فرآورده‌های نفتی به ایران و عدم ویزا به مقامات دولتی شدند. همچنین تحریم‌های جدیدی از جمله:

- تحریم چهار بانک ایرانی از قوی‌ترین تحریم‌های آمریکا در مقابل ایران است.
- تحریم برخی نخبگان سیاسی و نیروی سپاه پاسداران در لیست سیاه در این خصوص قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت صادر گردید.

نتیجه‌گیری

مناسبات ایران و آمریکا با استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران همواره با ستیز و چالش روبرو بوده است. پس از جنگ سرد، آمریکا به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ، مداخله‌گر و هژمونیک در نظام بین‌الملل ایفای نقش نمود. با تحول در ساختار ادراکی - تحلیلی نخبگان سیاسی آمریکا به موازات تهدیدات و تقابل امنیتی آمریکا در برخورد با ایران، آن کشور از ابزارهای متنوع و پیشرفته‌ای در این راستا بهره گرفت. سیاستمداران آمریکا با در نظر گرفتن تجارب جنگ سرد در بکارگیری ابزارهای نرم در فروپاشی ساختار شوروی رویکرد سخت افزارانه خود را در مقابل جمهوری اسلامی ایران تغییر دادند و از جنگ سخت و نظامی به قدرت نرم روی آوردند. آمریکایی‌ها با هرگونه قدرت‌یابی ایرانیان در حوزه‌های تکنولوژیک و استراتژیک مخالفت می‌کنند. و به دنبال حداکثر سازی محدودیت ایران در منطقه هستند. با توجه به ساختار جدید بین‌المللی و محیط امنیتی، ایران در برابر تهدیدات ناشی از سازو کارها آمریکا مقاومت می‌کند. منابع قدرت نرم ایران با دارابودن ارزش‌های مذهبی، انسجام فرهنگی و اجتماعی، جمعیت جوان، اتحاد و مشارکت سیاسی مردم، حاکمیت مقتدر و دیپلماسی فعال با توجه به موقعیت ژئوپلتیکی خود باعث رشد روز افزون و پیشرفت‌های سریع کشور و ناکار آمدی راهکارهای آمریکا را در بهره‌گیری از ابزار نرم در رسیدن به هژمونیک عرصه بین‌المللی را به همراه داشت.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵). «گفتگو: قدرت نرم انقلاب اسلامی»، فصلنامه بسیج، شماره ۳۲، پاییز.
- انعامی علمداری، سهراب (۱۳۸۷). «تهدیدات نرم، الگوی تقابل استراتژیک ایالات متحده آمریکا در برابر ایران»، گزارش جمهور، شماره ۲۶-۲۷.
- آقا بخشی، علی (۱۳۷۷). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۹). تروریسم اتمی، ایران و استراتژی جدید آمریکا، تهران: تابناک.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹). نظریه‌های فرهنگ در قرن بیست و یکم، تهران: نشر طلوع.
- بصیری، محمد علی (۱۳۹۱). «جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دوم، شماره ۵، بهار، صص ۱۷۷-۱۵۱.
- بلوردی، مجید (۱۳۸۸). «کالبد شکافی قدرت نرم»، پایگاه اطلاع رسانی علوم ارتباطات ایران.
- بیگی، مهدی (۱۳۸۹). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- بیلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۹۵). جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسیم راه چمنی، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- جمالی، حسین (۱۳۷۹). تاریخ و اصول روابط بین الملل، تهران: مرکز تحقیقات اسلامی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷). بصیرت پاسداری، تهران: اداره سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- حافظ نیا، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۲). تحلیل مبانی جغرافیایی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- خانی، علی عبدالله و کارن، عباس (۱۳۹۰). رویکردها و طرح‌های آمریکایی درباره ایران، تهران: موسسه فرهنگی ابرار معاصر.
- حافظ نیا، محمد رضا و دیگران (۱۳۹۱). «انقلاب اسلامی و پیدایش ژئوپلتیک جدید ایران»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۵، صص ۲۳-۱.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۸۴). تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: موسسه ایران.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۸۹). «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۴، زمستان، صص ۱۲۲-۱۰۳.

- دهشیری، محمد رضا (۱۳۸۵). «جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی ایران»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تابستان، شماره ۵۷.
- رنجبران، داود (۱۳۸۹). **جنگ نرم**، تهران: انتشارات ساحل اندیشه.
- سیف زاده، حسین (۱۳۸۲). **اصول روابط بین الملل**، تهران: نشر میزان.
- سجادپور، محمد کاظم و محمددی، فاطمه (۱۳۸۸). «ابعاد بین‌المللی حقوق بشر و حاکمیت دولت‌ها با مطالعه موردی تحلیل قطعنامه‌های سازمان ملل در مورد حقوق بشر ایران ۱۳۸۸-۱۳۵۸»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۲، بهار، صص ۹۲-۵۹.
- سجادپور، محمدکاظم (۱۳۸۰). «ایران و یازده سپتامبر: چارچوبی مفهومی برای درک سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال پانزدهم، شماره ۴، صص ۹۹۲-۹۶۷.
- سیمبر، رضا (۱۳۹۳). «اشاعه فرهنگی انقلاب در دیپلماسی عمومی»، خبرگزاری فارس، بهمن.
- سیمبر، رضا (۱۳۸۳). «سیاست خارجی آمریکا و حقوق بشر»، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۹۴-۱۹۳، مهر و آبان، صص ۴۱-۳۴.
- شجاعی، هادی و دیگران (۱۳۹۳). «تاثیر انقلاب اسلامی ایران در برجسته شدن موضوع قدرت نرم در روابط بین الملل»، ماهنامه معرفت، سال بیست و سوم، مرداد، شماره ۲۰۰.
- شیروانی، میثم (۱۳۷۹). **قدرت نرم؛ پیامدهای سیاسی و امنیتی جنگ ۳۳ روزه**، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- صبوری، ضیال‌الدین (۱۳۹۰). **قدرت نرم آمریکا در حوزه سیاست خارجی و امنیتی**، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- صدرپور، سید امیر حسین و دیگران (۱۳۹۵). «بررسی سازو کار نوین دیپلماسی عمومی بر مبنای نظریه قدرت نرم جوزف نای»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال ششم، شماره ۱۴، بهار و تابستان، صص ۱۸۳-۱۶۶.
- ضیایی پرور، حمید (۱۳۸۴). **جنگ نرم: ویژه جنگ رایانه ای**، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی ابرار معاصر.
- عسگری، محمود (۱۳۹۱). **قدرت افکنی؛ الزامی برای بازدارندگی**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عسگری، حسین (۱۳۸۶). **اقدامات و سیاست‌های آمریکا در قبال ایران**، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳). **بنیادهای علم سیاست**، تهران: نشر نی.

_____ راهبرد قدرت نرم آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی ایران

- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۹). روابط بین الملل: نظریه‌ها و رویکردها، تهران: انتشارات سمت.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰). اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران: انتشارات سمت.
- فرهادی، محمد و مرادیان، محسن (۱۳۸۷). درک قدرت نرم، بسیج و قدرت نرم، تهران: پژوهشکده مطالعات بسیج.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۶). آمریکا بر سر تقاطع: دموکراسی، قدرت و میراث جریان نو محافظه کاری در آمریکا، ترجمه مجتبی امیدی، تهران: نشر نی.
- قربانی، ارسلان و دیگران (۲۳۹۰). «قابلیت‌های سرمایه اجتماعی در شکل دهی به قدرت نرم»، **رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۲۷، پاییز، صص ۲۸-۹.
- کرمی، رضا (۱۳۸۶). «مبانی تئوریک و مصداقی تهدید نرم و قدرت نرم»، **فصلنامه مدیریت نظامی**، شماره ۲۸، زمستان، صص ۷۳-۴۱.
- گروه مطالعات امینی (۱۳۸۷). **تهدیدات قدرت ملی شاخص‌ها و ابعاد**، انتشارات دانشگاه عالی دفاع. گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۷). **جمهوری اسلامی و قدرت نرم**، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۸). «دیده بان حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران؛ یک ارزیابی دوجانبه»، **فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی**، شماره ۴، زمستان، صص ۱۸۲-۱۶۳.
- ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۸۹). **راهکارهای آمریکا برای جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران**، تهران: نشر ساقی.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۱). **روند تحول قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا ۲۰۱۳-۱۷۹۲**، تهران: نشر ساقی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸). **تحول در نظریه‌های روابط بین الملل**، تهران: انتشارات سمت.
- مستقیم، بهرام و قادری کنگاوری، روح اله (۱۳۹۰). «نقض حقوق بشر و گسترش تروریسم»، **فصلنامه سیاست**، شماره ۱، بهار، صص ۲۷۰-۲۵۱.
- مصفا، نسرین و ابراهیمی، نبی اله (۱۳۸۷). «جایگاه حقوق بشر در نظریه‌های روابط بین الملل»، **فصلنامه سیاست**، زمستان، شماره ۴، صص ۲۷۷-۲۵۹.
- نائینی، علی محمد (۱۳۸۸). «بررسی، ماهیت، ابعاد و حوزه‌های تاثیر تهدیدهای نرم غرب علیه جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه راهبردی دفاعی**، سال هفتم، شماره ۲۵، تابستان، صص ۱۵۲-۱۲۱.
- نای، جوزف (۱۳۹۲). **آینده قدرت**، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی.

نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم، ابزار موفقیت در سیاست بین الملل، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

نای، جوزف (۱۳۸۲). کاربرد قدرت نرم، ترجمه سید میر رضا، تهران: نشر قومس.
هرسیچ، حسین و دیگران (۱۳۹۱). «تاثیر جنبش‌های اسلامی-مردمی سال ۲۰۱۱ بر منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در خاورمیانه»، **مطالعات انقلاب اسلامی**، سال نهم، پاییز، شماره ۳، صص ۹۶-۷۹.

هرسیچ، حسین (۱۳۹۰). «تجزیه و تحلیل ویژگی‌ها، مبانی و مولفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، **مطالعات قدرت نرم**، پاییز، شماره ۳، صص ۱۶۲-۱۳۷.

ب) منابع انگلیسی

- Adelkhah, N. (2010). "Iran Integrates the Concept of the Soft War in to its Strategic Planning", **Jamestown Foundation Terrorism Monitor**, 8.
- Lewis, Petersen & College, Clark (2012). "Four Type of Power in International Relations Coercive Power, Bargaining Power, Concerted Power and Institutionalized Power", **Word Congress of Political Science**, Madrid.
- Nye, Joeseeph (2008). **The power to lade**, New York: Oxford University Press.
- Nye, Joeseeph (1990). "The Changing Nature of Power", **Political Science Review Quarterly**, Vol.105.No.2, Summer, PP.177-192.
- Vesquez, John (1998). **The Power of Power Politics: From Classical Realism to Neo Traditionalism**, Cambridge: Cambridge University Press.